

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هفتم، شماره ۱۹۷/۲۵ خرداد ۱۴۰۲ / ۱۵ ژوئن ۲۰۲۳

توهین به مقدسات در قوانین جزایی و حقوقی ایران

عملیات انقلابیون مسلمان همزمان با ورود وزیر جنگ اسرائیل به منطقه اشغالی جنوب لبنان گسترش یافت

چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۷ - آذرب ۱۴۰۹ شماره ۲۸۲۲ سال دهم  
۱۳ صفحه  
جمهوری اسلامی  
نکته شماره ۲۰۰ ریال

در ۱۳۱۱ بهرستان کشور  
۶۸ قاچاقچی به جرم توزیع ۱۳ هزار کیلو مواد مخدر اعدام شدند  
۱۰۹۶ تن از معتادین وانگردد و توزیع کنندگان مواد مخدر طی ۲۴ ساعت گذشته در سراسر کشور دستگیر شدند

نخست وزیر ضمن محکوم کردن نفوذ تبلیغاتی استکبار طلب اسلام امروز را عزیزی عیسی اعلام کرد

## دعوت امام خمینی از مسلمانان جهان برای اجرای حکم مجازات عاملین اهانت به قرآن

عرفات: اسرائیل بطور غیر مستقیم از صاف خواست که صلح را به جنس لبنانی بازگرداند

سه شنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۷ - آذرب ۱۴۰۹ شماره ۲۸۳۵ سال دهم  
۱۳ صفحه  
جمهوری اسلامی  
نکته شماره ۲۰۰ ریال

نابکد قائم مقام رهبری بر ضرورت حفظ حقوق مشروع و قانونی کلیه جناح های اسلامی افغانستان در تشکیل حکومت آینده

معاون نخست وزیر چین به همراه هیئتی وارد تهران شد



رئیس جمهور در خطبه های نماز جمعه که با شعارهای درنگ بر انگیز، نمازگزاران همراهی می شد به سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان غریب شدت حمله کرد و آنان را مدعیان حقوق آزادی و بی شرم و بی فکر خواند

## رئیس جمهور: انگلیس در برابر موضع قاطع امت اسلامی ناچار به عقب نشینی است

## در این شماره می خوانید:

جرم سب النبی، تسلیم و مطیع یا عقلانیت انتقادی؟

توهین به مقدسات را باید از حیث فلسفی - جامعه شناختی - تاریخی واکاوی کرد

خدایی که توبه را می پذیرد و قوه قضائیه ای که توبه پذیر نیست

توهین به مقدسات در قوانین حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی ایران

اگر فردی پس از توهین به مقدسات بگوید که غفلت کردم، نباید مجازات بشود

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری، علی اصغر فریدی، سیروان منصور

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

## جرم سب النبی، تسلیم و مطیع یا عقلانیت انتقادی؟



نیره انصاری

«جمهوری اسلامی طیف گسترده‌ای از افراد را به جرم سب النبی و ارتداد مورد تعقیب قانونی قرار می‌دهد. مسلمانانی که دیدگاهی متفاوت با محافظه‌کاران و تقیه‌کنندگان حاکم دارند، افرادی که به مسیحیت گرویده‌اند و بهائیان که توسط حکومت ایران هدف قرار گرفته‌اند. از این بیش جمهوری اسلامی، اتهام ارتداد را علیه مخالفان سیاسی نیز به کار گرفته است. سخنان روح‌الله خمینی، مبنی بر مرتد بودن اعضای جبهه ملی و یا فتوای وی که قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ در زندان‌ها را مجاز شمرد و... شماری از نمونه‌های روشن و بارزی از این نوع رویکرد است.»

تنها قانونی که به امر جرم یاد شده پرداخته، همانا ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد: «هر کس به مقدسات اسلام و یا هریک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین و... اهانت نماید، اگر مشمول حکم سب النبی باشد، اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

معنا و مفهوم سب: در لغت به معنای دشنام دادن و نفرین کردن و اهانت است (فرهنگ معین) افزون بر این به معنای دشنام سخت و دردناک آمده است.

ترمینولوژی حقوق «سب» را این‌گونه تعریف می‌کند: «سب یعنی دشنام و بدگویی یا جملات انشایی و آن عبارت است از ذکر الفاظ یا نوشته‌های ناخوش به کسی به قصد تحقیر و اهانت به صورت هجو و غیر آن. مجرم را سب گویند. از بزه‌های ضد شرف و عرض است. مجنی علیه را مسبب گویند. شتم (ناسزاگویی) نیز سب است. سب از مصادیق

ایذاء بوده و سب نبی از نوع کبیره ایذاء است.»  
وجوه اشتراک و تفاوت سب النبی با اهانت  
به حیث دارا بودن عنصر مادی هر دو جرم یکسان‌اند و تفاوتی میان اهانت ساده و سب النبی نیست. معنا اینکه سب النبی با همان الفاظی محقق می‌شود که اهانت. البته عُرف متشرعه میان شخصیت معنوی پیامبر و شخصیت معنوی سایر معصومین تفاوت دارد.

مستندات وجوب قتل سب‌کننده

۱- حکم عقلی (!)

۲- ادله شرعی

۳- مجازات سب النبی: هرگونه اهانتی به پیامبر مشمول عنوان سب النبی و مجازات آن اعدام است و این عنوان مجرمانه قالب و لفظ خاصی ندارد، بل، آنچه ملاک تشخیص است، اهانت به پیامبر و سایر ائمه است.

### تفاوت در نظرگاه فقیهان اهل شریعت و اهل سنت

در جرم سب النبی فقیهان اهل سنت و فقیهان امامیه اتفاق نظر دارند که سب النبی کشته‌شود و بسیاری از فقیهان اهل سنت نیز از این دیدگاه برخوردارند. اما گروهی از آنان مجازات سب النبی را در حد زندان و تعزیر می‌دانند.

### حکم ارتداد در قوانین جمهوری اسلامی

ارتداد و ادعای جرم سب النبی از مصاریف اهانت به مقدسات اسلام است.

آیا شخص سنی بر اساس فقه شیعه مرتد محسوب می‌شود و یا به موجب فقه سنی؟ و از این بیش، ناروشن است که اگر یک فرد شیعه به مذهب سنی ایمان آورد، آیا می‌توان وی را مرتد قلمداد کرد؟ و اساساً به استناد کدام قانون تبیین شده؟

در خصوص قوانین ارتداد در جمهوری اسلامی، نه به اندازه کافی برای مردم قابل فهم است و نه به میزان کافی دقیق و صریح. بنابراین فقدان وضوح و دقت در قوانین

روز و موضوعه در جمهوری اسلامی که «نظام مدنی» دارد

می شود.

در مقایسه با کشوری که دارای نظام «رویه قضایی» است مشکلات گسترده تری ایجاد می کند. در واقع تمامی جرایم «حدود» در قانون مجازات اسلامی گنجانده شده اند و به موجب آن قابل مجازات هستند. حتی جرم «قذف» که به معنای متهم نمودن دروغین و غیر واقعی شخص به ارتکاب زنا یا محصنه یا لواط است و شاید هیچ گاه هم عملاً مورد دادرسی قرار نگرفته است. در قانون مجازات اسلامی قید شده است که ارتداد تنها مورد استثناء است و با وجود بازبینی های مکرر قانون یاد شده و یا تدوین قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ اما جرم ارتداد به این قانون افزوده نشده است.

به استناد قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی: «در مواردی که قانون سکوت کرده باشد، قانون شرع حاکم خواهد بود. بنابراین اساس، تبعیت جمهوری اسلامی از ماده ۱۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بستگی به این دارد که ارتداد تا چه اندازه در قانون شرع تعریف شده باشد. و ملحوظ نمودن «حق شرط تحفظ/عدم ایفای تعهد» رژیم اسلامی در این پیمان در این راستا است. و به رغم تفاوت در نظرها و ابهامات بسیار که در خصوص ارتداد وجود دارد، اما فقیهان عموماً اتفاق نظر دارند که «ترک اسلام» و گرایش به دینی دیگر یا الحاد، موجب ارتداد می شود.

### توهین به مقدسات در غرب و قوانین و اسناد بین المللی

بحران نفتی ۱۹۷۴-۱۹۷۳ منجر به پایان روند بازسازی و دوره تلاقی اقتصادی اروپا شد، اما با این وجود، مهاجرت مسلمانان به اروپا ادامه یافت و وارد مرحله دیگری شد که طی آن خانواده های کارگران هم به آنان ملحق شدند. از اواخر دهه ۱۹۷۰، کشورهای اروپایی تلاش کردند درهای خود را به روی هجوم سیل عظیم کارگران نیمه ماهر ببندند، اما در همان زمان شمار همسر و فرزندان کارگران مهاجر که وارد اروپا می شدند افزایش یافت. این موضوع موجب شد که دغدغه های آموزشی، دینی و اجتماعی به ملاحظات اقتصادی آنها نیز اضافه شود. بدین ترتیب نوع نگاه اروپا به پدیده مهاجرت از اواسط سال ۱۹۸۰ تغییر پیدا کرد. مهاجرت به طور روزافزونی به دلیل افزایش جمعیت نسل دوم مهاجران مسلمان در اروپا از یک سو و درخواست پناهندگی و پیوند بین مهاجرت و پناهندگی از

سوی دیگر، به موضوع سیاسی تبدیل شد. با گسترش مهاجرت های غیرقانونی نیاز به قوانین مشترک اروپایی و یکپارچگی سیاست مهاجرت کشورهای اروپایی بیش از پیش احساس شد. پیمان اتحادیه اروپایی موسوم به پیمان ماستریخت-۱۹۹۲، مهاجرت را موضوع مقررات بین حکومتی اتحادیه اروپا معرفی کرد.

از اواخر دهه ۱۹۹۰، دولت های اروپایی تلاش کرده بودند با استحاله فرهنگی و ارزشی مسلمانان و تغییر نظام هنجاری آنان متناسب با ارزش های اروپایی، مسلمانان را به افکار و سبک زندگی غربی عادت دهند. اما، نسل سوم مهاجران مسلمان نتوانسته اند در هویت اروپایی جذب شوند. با عدم ادغام هویتی نسل سوم جوانان مسلمان در جوامع میزبان، به تدریج فاصله ها و شکاف های اجتماعی میان آنها و جوامع میزبان افزایش پیدا کرد و زمینه را برای محرومیت و انزوای اجتماعی مهاجران مسلمان، صرفاً به دلیل مسلمان بودن شان فراهم ساخت.

در اوایل قرن بیست و یکم که مهاجرت بر پایه دیدارهای خانوادگی شکل گرفت، مهاجرت موضوعی سیاسی-امنیتی برای جوامع اروپایی تلقی نمی شد. آزادی نقل و انتقال کارگران از کشورهای در حال توسعه، موضوعی حاشیه ای برای بازسازی بازار داخلی کشورهای اروپایی به شمار می رفت. هنوز در اوایل قرن بیست و یکم کشورهای اروپایی عمدتاً به مهاجرت از زاویه اقتصادی و اجتماعی نگاه می کردند. یکی از اهداف مهم آنها ایجاد بازار کار منسجمی بود که در آن کارگران بتوانند آزادانه بین کشورهای اروپایی جا به جا شوند.

با اشاره به سررسیدن دوران خوشامدگویی غرب به موج مهاجران از کشورهای اسلامی، به جمعیت در حال رشد مسلمانان در غرب و لزوم توافق بر سر ارزش ها پرداخته است.

در این باره دو سناریو در نظر گرفته شد: مسلمانانی که به اروپا آمده اند، یا توانایی همگرایی با جامعه میزبان را

دارند یا به سوی تشکیل جوامع موازی در درون جامعه میزبان پیش می روند. بسام طیبی، جان کلسی، اسلام پژوه آمریکایی این وضعیت را در نوشته خود در سال ۱۹۳۳ ترسیم کرده بود.

این محقق در آن سال ها از «برون بوم» هایی سخن گفته بود که «در اروپا وجود دارند» اما به گفته او «از اروپا نمی آیند» یا به عبارت دیگر، به اینجا تعلق ندارند. بسام طیبی با اشاره به دشواری پرداختن به موضوع «وضعیت مسلمانان در اروپا» می نویسد: «انتقاد روشنگرانه از دین، به طور خودکار اسلام هراسی انگاشته و رد می شود». به گفته او بسیاری از مسلمانان موضع بیطرفانه نسبت به اسلام را حاوی برخورد ایدئولوژیک می بینند. بر همین اساس است که «فرهنگ خودسانسوری» به جای «گفتمان باز» می نشیند؛ وضعیتی که در اروپا به ویژه در کشورهای آلمانی زبان مشاهده می شود. بسام طیبی با بیان اینکه «با این شیوه به جایی نمی رسیم»، از نوعی «بزدلی فکری یا عقلی» سخن می گوید که به گفته او پایه پای «جوامع موازی» در حال رشد است.

از نگاه ایدئولوژیک و تاریخی، جهان در دید مسلمانان به «دارالسلام» و «باقیمانده غیرمسلمان» تقسیم می شود که اروپا هم جزئی از این بخش دوم است. از نظر تاریخی برای این بخش «غیرمسلمان» به تعابیر گوناگونی چون «کفار» اشاره می شود. هدف پروژه صلح اسلامی، «اسلامی کردن» جهان است و این «اتهام استیزانه» نیست، بل، بر پایه باور و اعتقاد به دین اسلام» است.

نویسنده تجلی این باور را در برابر یکدیگر قراردادن «دارالاسلام» و «دارالسلام» می داند؛ برپایه این جهان بینی، «صلح جهانی تنها با سلطه اسلام محقق می شود!» طیبی با اشاره به اینکه «در ۱۴ قرن گذشته این جهان بینی هیچ گاه مورد تصحیح و بازاندیشی قرار نگرفته»، معتقد است، «مسلمانان ساکن اروپا پیش از هر چیز برای اصلاحات اساسی در این جهان بینی در چارچوب پذیرش

سراسر جهان است. (برگردان فارسی این قرارداد در زیر می آید)

در این قرارداد چند بند مهم اندراج یافته است از جمله:

- کشورهای اروپایی از ورود مهاجرین مسلمان در سراسر جهان استقبال می‌کند.

- بر مبنای این کانتراکت ممنوعیت تدوین و وضع هر نوع قانون، مقررات و یا بروکراتی در ایجاد مانع و یا غیرممکن کردن گرایش به گزینش دین اسلام و یادگیری قرآن رسمیت یافت.

- ساده کردن ترویج و گسترش دین اسلام در اروپا

- تشویق و ترغیب در ایجاد طرز تلقی مثبت از فرهنگ عربی در جوامع اروپایی

- تمرکز کردن روی مدارس در نسبت به وام دار کردن فرهنگ اروپایی به اسلام

- متمرکز شدن روی انجام فعالیت‌ها و تبلیغات مثبت بطور گسترده از اسلام در اروپا

- افزودن بر بندهای مندرج در این قرارداد اعطای امتیاز دولت سوسیال دموکرات سوئد به اسلامگرایان در زمان حتما

آتش زدن پرچم سوئد توسط همین اسلامی‌ها است.

پس از آن، تئودور ون گوگ (از نوادگان برادر ونسان ون گوگ) که یک فیلمساز و روزنامه نگار هلندی بود فیلمی با نام «تسلیم یا مطیع» ساخت که در آن به اسلام به عنوان عامل اصلی سرکوب زنان مسلمان پرداخته می‌شود و شخصیت اصلی این فیلم یک دختر مراکشی است. به همین دلیل پس از ساخت آن تجمعات اعتراضی بسیاری در کشورهای افریقایی و به ویژه در مراکش رخ داد؛ این فیلمساز هلندی مدتی پس از ساختن این فیلم در سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ توسط یک جوان مراکشی ترور شد و به قتل رسید.

۱۳۸۴/۲۰۰۵ برای نخستین بار یک مجله دانمارکی در اقدامی هدفمند، کاریکاتورهای از پیامبر منتشر کرد. به



MEHR NEWSAGENCY  
Photo: Mehdi Bakhshi

از این بیش اخباری مبتنی بر اقدامات اسلام ستیزانه توسط جریان‌های راست گرای افراطی در چند کشور اروپایی منتشر شده که خشم مسلمانان را برانگیخته است. قدیمی ترین و نام آشنا ترین اقدام مربوط به سلمان رشدی نویسنده بریتانیایی در سال ۱۳۶۷ شمسی بوده است، ایشان در اثر خود، کتاب «آیات شیطانی» شخصیت پیامبر اسلام، صحابه و همسران وی را در قالب انسان‌های دیگر اما با همان نام یا نام‌های مشابه، قرار داد و در همان سال روح الله خمینی فتوای کشتن وی را صادر کرد و حتما علی خامنه ای رهبر رژیم اسلامی نیز در سال ۱۳۸۳ حکم خمینی را غیرقابل تغییر خواند.

- انعقاد قرارداد بارسلونا/Barcelona Contract در تاریخ ۱۹۹۵ میان کشورهای اروپایی با دولتهای مسلمان در

تکثرگرایی باید به چالش کشیده شوند.»

در طول تاریخ، مسلمانان دوبار به عنوان جهادگر به اروپا آمده‌اند: در سال ۷۱۱ میلادی به عنوان فاتح به اسپانیا و در سال ۱۴۵۳ به قسطنطنیه (استانبول امروزی) و در پی آن تا بالکان. نویسنده با اشاره به این دو رویداد مهم تاریخی می‌نویسد: «امروزه آنها مسالمت‌آمیز و در چارچوب [هجرت یا مهاجرت] به اروپا می‌آیند.»

نویسنده به گزارشی از «نیویورک تایمز» اشاره می‌کند که به تازگی در مورد پیکارجویان «المهاجرون» منتشر شده است؛ یکی از فعال ترین شبکه‌های افراط‌گرایان در اروپا. «از میان بردن دموکراسی و تشکیل خلافتی بر پایه احکام اسلامی در بریتانیا» آن چیزی است که به ادعای نیویورک تایمز این گروه در پی آن است. نویسنده به واژه‌ی «گوناگونی» در این ارتباط اشاره می‌کند و می‌گوید: «این هم همان تنوع است اما فقط به شکلی متفاوت از آنچه که طرفداران [چندفرهنگ‌گرایی] فکرش را می‌کردند.»

نویسنده در پاسخ به این پرسش به آمار مرکز تحقیقات پیو در واشنگتن اشاره می‌کند که بر پایه آن ادعا می‌شود، از طریق مهاجرت یا پیوستن خانواده‌های پرجمعیت عیالوار و مسئله چند همسری/پولیگامی، امکان رشد سهم جمعیت مسلمانان آلمان از ۶٪ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲۰٪ درصد در سال ۲۰۵۰ وجود دارد. بر پایه همین آمار و پیش‌بینی، جمعیت مسلمانان سوئد در سال ۲۰۵۰ سی و یک درصد ساکنان این کشور را تشکیل خواهد داد. نویسنده با اشاره به اینکه دست گذاشتن روی این آمار خطر اتهام‌های پوپولیستی و نژادپرستانه را از سوی سبزه‌ها و چپ‌ها به دنبال دارد، بر این باور است این اتهام‌ها «خنده‌دار و حتی خطرناک‌اند» و «سیاست باید درباره این تغییرات و این آمار به روشنی سخن بگوید.»

از منظری دیگر فرهنگ غالب این چنین معنا می‌شود: «مقرراتی بر پایه ارزش‌های جهان‌شمول که رعایت آن برای تمامی آدم‌های با فرهنگ‌های مختلف که قصد

همزیستی در یک اجتماع را دارند الزامی است». در تبیین این ارزش‌ها که آن‌ها برآمده از «اصول روشننگری جهانشمول» (مانند موازین حقوق بشر) است، باید گفت جایگاه «تفکر انتقادی»، از ادراک و بینش مذهبی، برتر و «دین موضوعی شخصی» است و «آزادی بیان و تفکر» در این جامعه حاکم است. و «یورو-اسلام» یا تصور و ایده اسلام سکولار که با ارزش‌های فرهنگ اروپایی تلفیق شده باشد مردود است.

حال آنکه بسام طیبی بر این باور است: «اروپا تنها در صورتی می‌تواند هویت تمدنی خود را نگاه دارد که ترکیبی از یورو-اسلام و فرهنگ غالب را به شکل مفهومی سیاسی درآورد و مسلمانان را هم در این طرح با خود همراه کند. این هویت به اعتقاد نویسنده، برای مسلمانان مهاجر نه خسران و زیان که قوت و غنا به شمار می‌رود.»

بهانه‌ی آزادی بیان این کاریکاتورها در مطبوعات دانمارک چاپ و در فضای مجازی به سرعت پخش شد. پس از چاپ این کاریکاتور به سفارتخانه‌های دانمارک در سراسر جهان حمله شد و در جریان درگیری‌ها عده زیادی کشته شدند.

با محوریت این کاریکاتورها در ۱۳۸۵/۲۰۰۶ فیلم مستند کوتاه «فتنه» توسط یک فیلمساز هلندی ساخته شد. شروع این مستند، تصویری از صفحات قرآن است که با تصویری از کاریکاتور آغاز و در آن به آیات قرآن و توهین می‌شود. در انتهای فیلم نیز، از مسلمانان خواسته می‌شود که این آیات را خودشان از قرآن پاره کرده و دور بریزند و جلوی گسترش اسلام را بگیرند. فیلم با این جمله به پایان می‌رسد: «stop islamization».

در سال ۱۳۸۹/۲۰۱۰ همزمان با نهمین سالگرد حادثه ۱۱ عده‌ای آمریکایی اقدام به سوزاندن قرآن کردند.

در ژانویه ۲۰۱۵ / ۱۳۹۴ مجله فرانسوی «شارلی ابدو» بار دیگر کاریکاتورهای نسبت به پیامبر منتشر کرد و پس از انتشار آن، دفتر این مجله در پاریس مورد حمله قرار گرفت و در جریان این درگیری ۱۷ تن که ۱۲ تن آنها کارکنان این نشریه فرانسوی بودند - از جمله کاریکاتوریست این مجله کشته شدند. نکته جالب توجه اینکه سلمان رشدی، همان کسی که به نوعی آغاز کننده این جریان در دوره معاصر بود هم از اقدام این نشریه حمایت کرد و گفت: «مسلمانان باید با کاریکاتورهای شخصیت‌های مورد احترام خود، کنار بیایند».

همچنین درخصوص گردن زدن یک معلم فرانسوی توسط یک اسلام‌گرایی چینی / فرانسوی در فرانسه ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، و یا در تاریخ ۲۰۲۲، ۲۰۰۴، ۱۷ پس از اعلام حزب راسموس پالودان برای برگزاری تظاهرات ضداسلامی و سوزاندن قرآن، درگیری‌ها در سوئد گزارش شده است. حزب خط سخت توسط پالودان در سال ۲۰۱۷ تاسیس شد. او به خاطر ویدیوهای ضد اسلامی متعدد در یوتیوب شناخته

شده است. این سیاستمدار علناً یک نسخه از قرآن را سوزاند و آن را ادای احترام به آزادی بیان خواند. حزب او خواستار ممنوعیت اسلام و اخراج همه «پناهجویان غیرغربی» از دانمارک است.

محکومیت بر اساس قوانین موجود در زمان ارتکاب تخلف یا جرم!

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است که: «نمی‌توان شخص را به جرم ارتکاب عملی که در زمان انجام، غیرقانونی محسوب نمی‌شده مجرم شناخت.»

در این خصوص ماده (۲-۱۱) اعلامیه یاد شده و ماده (۱-۱۵) میثاق بین‌المللی مورد نظر تصریح می‌نمایند: «هیچ‌کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در زمان ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است؛ محکوم نخواهد شد.»

به همین جهت است که هیچ‌کس مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت، دریافت نکرده و این امر درباره‌ی احادی اجراء نخواهد شد.» از یک فراز اساساً این دو ماده تفسیر همان (اصل تناسب جرم و مجازات) است.

اگرچه عموماً پذیرفته شده است که این اصل از محکومیت افراد به دلیل «عطف به ماسبق» کردن قوانین پیشگیری می‌کند و افراد را در برابر قوانین کیفری در خصوص آنچه پیش از وضع این قوانین ارتکاب یافته محافظت می‌نماید.

از دیگر سو اصل بیان شده «عطف به ماسبق» به این معنا هم تفسیر شده است که قوانین کیفری باید «صریح و دقیق» باشند. این قانون لزوماً بدان معنا نیست که قواعد و اصول حقوقی نانوشته از قبیل عُرف دارای ارزش و اعتبار نیستند، بل، معنا و مفهومش این است که دولت‌ها باید تمام جرائم و مجازات‌ها را به گونه‌ای تعریف و تبیین نمایند که به حیث حقوقی از صراحت لازم برخوردار باشد.

در این باره کمیته حقوق بشر سازمان ملل بیان کرده است که ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مسئولیت کیفری و مجازات را به «مفاد صریح و دقیق قانونی که در زمان انجام عمل و یا فقدان آن، وضع شده و قابل اعمال بوده است»، محدود می‌نماید.

از این بیش دادگاه حقوق بشر اروپا نیز «اصل قطعیت قانون» را در مواردی از تصمیمات خود مورد مذاقه نظر قرار داده است.

در حقیقت لزوم وضوح و صراحت قانون در خصوص ارتقاء و محافظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در مقابله با تروریسم هم مطرح گردیده است. در خصوص قوانین

ضد تروریسم و به ویژه در مورد آزادی‌های اساسی نیز ممنوعیتی «توسط قانون مقرر شده» و باید به نحوی بیان گردد که این قانون به اندازه کافی برای مردم قابل فهم باشد. به طوری که مردم بتوانند به خوبی درک کنند که قانون چه محدودیت‌هایی در خصوص رفتار آن‌ها قائل شده است.

افزون بر این عبارات‌های به کار گرفته شده در قانون به اندازه‌ای کافی و دقیق، روشن و بی‌اجمال باشد که افراد بتوانند رفتار خود را بر اساس آن تنظیم نمایند.

سخن پایانی

جمهوری اسلامی طیف گسترده‌ای از افراد را به جرم سب‌النبی و یا ارتداد مورد تعقیب قانونی قرار می‌دهد. مسلمانانی که دیدگاهی متفاوت با تقیه‌کنندگان حاکم دارند، افرادی که به مسیحیت گرویده‌اند و بهائیان که توسط حکومت اسلامی در ایران هدف قرار گرفته‌اند.

از این بیش جمهوری اسلامی، اتهام ارتداد را علیه مخالفان سیاسی نیز به کار گرفته است. سخنان روح‌الله خمینی مبنی بر مرتد بودن اعضای جبهه ملی و یا فتوای وی که قتل عام سال ۶۷ در زندان‌ها را مجاز شمرد و... شماری از نمونه‌های روشن و بارزی از این نوع رویکرد است.

اگرچه قانون شرع تعریف یکسانی از ارتداد ندارد، اما

تغییر آئین و اقبال به ادیان دیگر اساساً ارتداد محسوب می‌گردد، هرچند فقیهان در مورد اعمال دیگری که ارتکاب آن‌ها می‌تواند شخص را مرتد کند با یکدیگر توافق نظر ندارند.

قانون مجازات اسلامی به روشنی و به طور مشخص ارتداد را تعریف و تبیین نکرده است. بر همین اساس، «قضات مخیرند تا موارد ارتداد را بر پایه درک خود از موازین شیعه مورد داری» قرار دهند. در بسیاری موارد، محکومیت‌ها ملغاً شده‌اند که این خود بیانگر «عدم وضوح قوانین ارتداد است.»!

دادرسی‌ها و محکومیت‌هایی که بر پایه اتهام‌های سب‌النبی و ارتداد است، غیرعادلانه و فاقد استانداردهای حقوقی و با قوانین بین‌المللی حقوق بشر و به ویژه تعهدات حکومت اسلامی نسبت به اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مغایرت دارد. جمهوری اسلامی، آزادی اندیشه و مذهب را نقض می‌کند. در حقیقت حکومت با تحمیل مجازات اعدام برای جرائم مذهبی، «حق حیات» را زیرپا گذارده و نادیده می‌انگارد. و بارها مهمتر اینکه «ماهیت مبهم ارتداد» در قانون مجازات اسلامی را می‌توان نقض این شرط دانست که محکومیت‌های کیفری باید بر اساس قوانینی باشند که در زمان ارتکاب جرم و یا تخلف وجود داشته باشد.

افزون بر این موارد، از دید روانشناختی، دین‌باوری و سلطه‌پذیری و مجازات حداکثری دین‌باوران برکسانی که امرمقدس را بر نمی‌تابند و آنان را کافر و محارب می‌دانند، نیز خود قابلیت گفتگو دارد.

از این بیش مدرنیته و «عقلانیت انتقادی» و زمینی و معرفی شده‌گی در مقایسه با فلسفه‌ی سیاسی، مکتون و پنهان داشته شده در قدس باوران است؛ یعنی از باورمندان، انسان مقهور می‌سازد و نه آزاداندیش! به همین جهت منتقد امر مقدس را بر نمی‌تابند و مراجع دینی کارکرد این اندیشه است.

## توهین به مقدسات را باید از حیث

### فلسفی - جامعه شناختی - تاریخی واکاوی کرد

توهین به مقدسات و به انسداد ذهنی برخی از علمای حقوق



نشان می‌دهند و این گونه از واکنش‌ها هرگز کافی برای کاهش مجازات‌ها یا لزوم تغییر تفسیر از قوانین نیست.

اگر توهین به معنای سست کردن و تحقیر باشد و مقدس نیز به معنای پاک و منزّه و هر دو مفهوم در ارتباط با کیان یک جامعه قرار گیرد در اینصورت منظور نظر قانونگذار از تعیین مجازات برای چنین جرمی این است که اگر شخصی از طریق توهین به امر مقدسی در صدد سست کردن بنیان جامعه‌ای باشد عمل آن شخص علیه یک جامعه بوده و درجه‌ی جرم نیز در سطح بالایی است، اما این موضوع مشروط به چند نکته‌ی مهم و جدی است: الف) امر مقدس باید اکنون نیز در بنیاد جامعه نقش مهم داشته باشد و تخلف از آن کلیت جامعه را خدشه‌دار نماید و به نوعی روح جامعه آزرده گردد ب) جامعه‌ای باقی باشد که به تبع آن مقدساتی داشته باشد ج) خواست جامعه در برابر اهانت به آنچه مقدس نام برده می‌شود مجازات فرد موهن باشد.

در صورت اجتماع شرایط فوق می‌توان از تنبیه و مجازات فرد مجرم بحث نمود.

نوشته بالا بخشی از سخنان فرهاد محمدی حقوقدان، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر است در مصاحبه با مجله حقوق ما در رابطه با توهین به مقدسات در قوانین ایران، متن کامل این مصاحبه به شرح زیر است.

#### آیا توهین به مقدسات در قوانین ایران چه قبل از انقلاب ۵۷ و چه بعد از آن جرم انگاری شده؟

در قبل از انقلاب در سال ۱۳۳۴ در قانون مطبوعات برابر ماده ۲۳ جرم انگاری شده است اما دارای تفاوت مهمی با جرم انگاری در سال ۱۳۷۵ یعنی بعد از انقلاب ۵۷ دارد زیرا در قانون قبلی هدف قانونگذار از حیث تعیین ارکان مادی و شرایط تحقق آن دقیقاً جلوگیری از تفرق میان تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و آیینی بوده است اما در قوانین بعد از انقلاب هدف پاسداری از خود مقدسات دینی و اشخاص است و وجهت اجتماعی آن مورد نظر و تاکید قرار نگرفته است (ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده). و حتی در مواد ۲۰ تا ۲۴ لایحه قانونی



علی‌اصغر فریدی

جرم توهین به مقدسات را باید از حیث فلسفی - جامعه شناختی - تاریخی واکاوی نمود، وقتی قرار باشد به واسطه‌ی لفظ یا فعل و یا ترک فعلی که عنوان توهین به مقدسات بر آن نهاده می‌شود شخصی مجازات گردد، پس لازم است جانب احتیاط را گرفت، زیرا هدف از جرم‌انگاری برای چنین وضعیتی از نظر قانونگذار در واقع دفاع از کیان جامعه بوده است و اعتقادات یک جامعه بخش مهمی از شاکله‌ی آن جامعه است لذا ضروری است تا هم نگاه جامعه شناختی - تاریخی - فلسفی به مفاهیم در حوزه‌ی مقدسات و به طور کلی دینی داشت، زیرا دلیل اصلی جرم انگاری در نزد قانونگذار در حقیقت استاتوی جامعه در حین خلق مفاهیم و اخلاقیات خویش است.

اگر شخصی به یکی از مقدساتی که قبلاً توسط نهاد حاکم به عنوان امر مقدس تعیین گردیده است توهین نماید ضرورتاً باید علت و عوامل آن توهین مورد بررسی قرار گیرد و چنانچه به قصد سست کردن پایه‌های اعتقادی یک جامعه ارتکاب یافته باشد در این صورت به منظور نظر قانونگذار نزدیک شده‌ایم در غیر اینصورت از شمول توهین به مقدسات با لحاظ قاعده‌ی تفسیر مضییق و تفسیر به نفع متهم خارج است.

مفاهیمی چون توهین و مقدسات را باید ابزوردیزه کرد تا معنای نزدیک به حقیقت آن مفاهیم در هر زمان به انکشاف بیانجامد و نهایتاً در مراحل قانونگذاری به انضمام برسد.

ابزورد نمودن این مفاهیم در عالم اندیشه تکلیف اصلی علمای حقوق است اما متأسفانه ما با علمایی روبرو هستیم که به دلیل عدم برخورداری از رویکرد جامعه شناختی - تاریخی - فلسفی، به انسداد ذهنی مبتلا شده‌اند و در مواجهه با نتایج ناشی از ارتکاب جرم ناشی از توهین به مقدسات تنها در حد بسیار ضعیفی از طریق پناه بردن به تفاسیر حداقلی در فقه واکنش

مطبوعات مصوب ۵۸ نیز توهین به مقدسات دینی و اشخاص مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است.

### مجازات توهین به مقدسات چیست و آیا در قانون توهین به مقدسات دسته‌بندی شده است؟

مجازات توهین به مقدسات برابر ماده ۵۱۳ و ۵۱۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده و نیز مواد ۲۰ تا ۲۴ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۵۸ بر اساس نوع توهین برابر با عین ادبیات قانونگذار به سه دسته تعیین می‌گردد:

- ۱- اگر توهین به مقدسات اسلام و هر یک از انبیاء عظام یا ائمه‌ی طاهرین یا حضرت صدیقه طاهره باشد اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد اعدام است.
- ۲- اگر شرایط بند یک مشمول حکم ساب‌النبی نباشد به یک تا پنج سال به حبس محکوم می‌گردد.
- ۳- اگر توهین به امام خمینی و مقام رهبری به نحوی از انحاء باشد به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.

### بنابه قوانین کیفری ایران، جرم توهین به مقدسات در فضای مجازی چیست؟

در مورد توهین به مقدسات از طریق فضای مجازی قانون خاصی وجود ندارد و محاکم با تلقی فضای مجازی به عنوان شیوه و طریق انجام فعل توهین به مقدسات بر اساس همان ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مجازات فرد مجرم را تعیین خواهد نمود به اعتباری دیگر عنصر مادی توهین به مقدسات در چنین فرضی عبارت است از لفظ یا فعل یا ترک فعلی که از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نسبت به مقدسات توهین محسوب گردد است و مجازات آن یک تا پنج سال بوده و در صورتی که مشمول سب‌النبی باشد مجازات اعدام است.

### جرم سب‌النبی به چه معنی است و مجازات آن در قوانین جزایی ایران چیست؟

سب در مذهب تشیع به معنای دشنام و ناسزا و هتک حرمت و



نفرین است و دشنام را توصیفی عنوان نموده‌اند که دلالت بر نقص در شخص مورد توهین و ناسزا و دشنام دارد اما در اهل سنت، سب را در باب ارتداد مورد حکم قرار داده‌اند و مستقلاً سب را مورد حکم قرار نداده‌اند یعنی شرطی برای حکم اعدام مقرر می‌دارند و آن احراز ارتداد است و البته ظاهراً ابوحنیفه به طور کلی سب را موجب اعدام نمی‌داند در میان فقهای اهل تشیع نیز شیخ مفید نیز اعدام را منوط به اجازه‌ی حاکم اسلامی یا امام می‌داند و به طور کلی فلسفه‌ی چنین حکمی برای ساب‌النبی دفاع و حفظ دین عنوان شده است.

سب‌النبی همانطور که گفتیم برابر نص ماده ۵۱۳ به معنای فحاشی و کذب و توهین به پیامبر اسلام و هر کدام از پیامبران اعظم یا ائمه طاهرین و یا حضرت زهرا باشد است و تفسیر بر سر الفاظ و عناوین مقرر در ماده را باید در آثار فقهی یافت و دو مجازات در ذیل این ماده معلوم گردیده است اگر چنانچه ارکان مادی یاد شده مشمول حکم سب‌النبی باشد مجازات اعدام و در غیر اینصورت یک تا پنج سال حبس دارد.

بودن توهین به مقدسات در حقیقت دفاع از بنیاد جامعه‌ی اسلامی است که مقدسات آن جامعه در بنیادگذاری تعیین گردیده است اما نکته‌ای حائز اهمیت است اینکه کشور ایران دارای تفاوت‌های قومی، اتنیک، نژادی و فرهنگی بوده و در قانون اساسی نیز اکثراً به رسمیت شناخته شده است (اصول ۱۹ و ۲۶ قانون اساسی).

با این اوصاف قانونگذار تکلیف پیچیده‌تری دارد و اقتضای کند جهت حفظ این تفاوت‌ها قوانین خاصی داشته باشد تا فعل یا ترک فعل و یا به قول استفساریه‌ی مجلس شورای اسلامی در سال ۷۹ حرکات یکی از این تفاوت‌ها نزد دیگری یا نزد حاکمیت توهین تلقی نگردد و البته همه نیز از توهین به مقدسات دیگری ممنوع باشند.

### آیا اگر شخصی در حالت مستی و یا ناهوشیاری به مقدسات توهین کند مطابق قوانین ایران، جزای وی چیست؟

در قسم اخیر ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به قسمی از توهین به مقدسات اشاره شده است که مشمول حکم سب‌النبی نیست، اما مجازات یک تا پنج سال دارد ولی ذکر نگردیده است که کدام توهین‌ها مشمول سب‌النبی نمی‌گردد لذا با مراجعه به قانون قبلی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ آن قانون که اشعار می‌دارد چنانچه فردی در حالت مستی و یا حالت اکراه یا غفلت یا سهو یا بدون توجه به معانی کلمات توهین به مقدسات نماید و تا ۷۴ ضربه شلاق مجازات برای وی تعیین شده بود نتیجه می‌گیریم که موارد غیر مشمول سب‌النبی در ماده ۵۱۳ قانون جدید مجازات اسلامی همان موارد مندرج در ماده ۲۶۳ قانون مجازات مصوب ۹۲ می‌باشد و معلوم نیست که قانونگذار چرا در قانون جدید به این موارد اشاره ننموده است اما مجازات تعیین نموده در حالیکه موارد غیر مشمول سب‌النبی را محصور ننموده است.

با این اوصاف قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی هم مجازات را از ۷۴ ضربه شلاق به حبس افزایش داده است و هم با حذف موارد احصاء شده‌ی قبلی در واقع مبهم و بدون احصاء باقی گذاشته است.

نکته‌ای مهم در باب توهین، اهانت و هتک حرمت ولو نسبت به مقدسات این است که مجلس شورای اسلامی در سال ۷۹ تفسیری در این مورد به منظور جلوگیری از تفسیر به رای در مورد لفظ توهین در قوانین موضوعه نمود که به نظر من جای تامل دارد زیرا با در نظر داشتن استفساریه‌ی مجلس نباید هر لفظ یا فعلی را توهین محسوب نمود مگر اینکه یا صریح و ظاهر در معنی توهین باشد یا از حیث عرف جامعه نیز توهین محسوب گردد یا شرایط زمانی و مکانی و موقعیت شخص مورد توهین موجب تخفیف و تحقیر باشد، بنابراین تا حدودی از تفسیر به رای ممانعت شده است اما به نظر من هنوز دارای ایرادات اساسی است زیرا:

عرف جامعه و شرایط زمانی و مکانی نیز مانند خود لفظ توهین از الفاظ شناور و کلی بوده و دایره‌ی شمول آنها بسیار وسیع بوده و با قانونگذاری در امر کیفری منافات دارد و می‌تواند علیه متهم باشد.

اگر در مرحله‌ی بنیادگذاری جامعه اسلامی ورود کنیم علت جرم

## خدایی که توبه را می‌پذیرد و قوه قضائیه‌ای که توبه‌پذیر نیست

### علی اصغر فریدی

در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سب النبی است و به اعدام محکوم می‌شود. تبصره- قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است.

در ماده ۲۶۳ همین قانون آمده است: هرگاه متهم به سب، ادعاء نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سب النبی محسوب نمی‌شود.

تبصره- هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است.

همچنین در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی هم آمده است: هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین یا حضرت صدیقه طاهره اهانت نماید اگر مشمول حکم سب النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

در رابطه با تفاوت مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ با ماده ۵۱۳ باید بگوییم که در مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ بحث سب النبی و ماده ۵۱۳ بحث توهین به مقدسات را مطرح می‌کند. در واقع قانونگذار اینگونه در نظر گرفته که در درجه اول و به صورت پیش‌فرض هرگونه توهین به پیامبران و انبیا و ائمه، سب النبی یا به نوعی دشنام به پیامبر تلقی می‌شود و مجازات آن به صراحت ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی، اعدام است. اما در ماده ۵۱۳ می‌گوید در صورتی که دشنام و توهین به مقدساتی که روی داده شامل سب النبی نباشد، و دلیل دستگاه قضایی ایران برای عدم پذیرش توبه دو جوان به نام‌های یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع که به اتهام سب النبی اعدام شدند، این بوده که پزشکی قانونی سلامت عقلی آنها را تایید کرده و بنابه به همین دلیل قاضی اظهار پشیمانی و توبه آنها را نپذیرفته و غفلت و سهو را هم قبول نکرد. این در حالی است که غفلت یک عنصر درونی است و شخص می‌گوید که من در آن لحظه که توهین کردم، هوش و حواسم سرجایش نبوده و غافل بودم، این ربطی به سلامت پزشکی قانونی ندارد.

حکومتی که مدعی است بر مبنای قوانین اسلام بنا شده و براساس همین قوانین اداره می‌شود، حداقل در این مورد یعنی عدم پذیرش توبه این دو جوان گوی سبقت از ائمه و حتی پیامبر مسلمانان را هم ربوده. بنابه روایاتی که ما می‌دانیم، پیامبر اسلام پس از فتح مکه تمام کسانی را که حتی پس از شکست در جنگ توبه کردند، بخشید.

سخنان فوق بخشی از مصاحبه مختار ابراهیمی تحصیل کرده رشته حقوق است در مصاحبه با مجله حقوق ما در مورد توهین به مقدسات در قوانین جزایی ایران، مشروح این مصاحبه در زیر آمده است.

**توهین به مقدسات در قوانین جزایی ایران بر چه اساسی تبیین شده است؟**

در مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی در ذیل حدود و ماده ۵۱۳ همین قانون یعنی قانون مجازات اسلامی که مهمترین قانون در زمینه تعیین جرم و مجازات در ایران است، در ذیل تعزیرات به مسئله توهین به مقدسات پرداخته شده.

فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ  
إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت و خداوند توبه او را پذیرفت،  
زیرا خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.



دشنام به دیگر شخصیت‌های مهم مذهبی یا کتاب مقدس مسلمانان یا هر مساله دیگری بود که مقدسات اسلامی نامیده یا تعریف شده است، اتفاق افتاده باشد، مشمول ماده ۵۱۳ خواهد شد که جزای آن اعدام نیست اما شخصی که مرتکب آن شده از یک تا پنج سال زندان خواهد شد.

البته این را هم باید یادآوری کنم که اگرچه توهین به مقدسات در قانون جزایی ایران آمده، اما در واقع این ناشی از اصل چهارم قانون اساسی ایران است که می‌گوید: کلیه

قوانین و مقررات حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید منطبق بر موازین اسلامی باشد. در واقع، این اصل بیانگر لزوم ابتدای تمام قواعد قانونی حاکم، با موازین اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

این اصل در واقع بیان می‌کند که کلیه قوانین و مقررات

اجرا کردند.

می‌دانیم، پیامبر اسلام پس از فتح مکه تمام کسانی را که حتی پس از شکست در جنگ توبه کردند، بخشید.

این بوده که پزشکی قانونی سلامت عقلی آنها را تایید کرده و بنابه به همین دلیل قاضی اظهار پشیمانی و توبه آنها را نپذیرفته و غفلت و سهو را هم قبول نکرد. این در حالی است که غفلت یک عنصر درونی است و شخص می‌گوید که من در آن لحظه که توهین کردم، هوش و حواسم

سرجایش نبوده و غافل بودم، این ربطی به سلامت پزشکی قانونی ندارد.

حکومتی که مدعی است بر مبنای قوانین اسلام بنا شده و براساس همین قوانین اداره می‌شود، حداقل در این مورد یعنی عدم پذیرش توبه این دو جوان گوی سبقت از ائمه و حتی پیامبر مسلمانان را هم ربوده. بنابه روایاتی که ما

اجرا کردند.

می‌دانیم، پیامبر اسلام پس از فتح مکه تمام کسانی را که حتی پس از شکست در جنگ توبه کردند، بخشید.

اجازه بدهید کمی روشنتر در این مورد صحبت کنم، ما در ایران چیزی به نام قوه قضائیه مستقل و اصلا چیزی به نام حقوق و قضا نداریم، آنچه هست دستگاهی عریض و طویل است در دست حاکمیت برای بقای حاکمیشان و نه دستگاهی برای اجرای عدالت.

اعدام این دو جوان نیز در راستای همان ایجاد رعب و وحشتی است که جمهوری اسلامی بعد از فروکش کردن اعتراضات اخیر به راه انداخته برای زهر چشم گرفتن از مردم معترض و نه اجرای عدالت و نه حتی پاسداری از ارزشهای اسلامی که حکومت مدعی آن است.

## توهین به مقدسات در قوانین حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی ایران



مبنای تفسیر و تبیین مقدمات در قوانین جزایی ایران کدام‌ها هستند؟ قانون مجازات اسلامی در این زمینه چه می‌گوید؟

قانون مجازات اسلامی که مهم‌ترین قانون در زمینه تعیین جرم و میزان مجازات در نظام جزایی جمهوری اسلامی است، در سه ماده به مساله مقدمات و جرائم مشابه پرداخته است که در این سوال مطرح است:

مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی که در ذیل حدود تعریف شده است و ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی که در ذیل تعزیرات تعریف شده است. تفاوت این دو ماده اول با ماده سوم به این صورت است که دو ماده اول بحث سب‌النبی و ماده سوم بحث توهین به مقدمات را مطرح میکنند. در درجه اول و به صورت پیش‌فرض هرگونه توهین به پیامبران و انبیا و ائمه، سب‌النبی یا به نوعی دشنام به پیامبر تلقی میشود و مجازات آن به صراحت ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی، اعدام است. در ادامه، ماده ۵۱۳ می‌گوید: در صورتی که دشنام و توهین به مقدماتی که اتفاق افتاده است شامل سب‌النبی نباشد، یعنی به صورت پیش‌فرض ابتدا سب‌النبی تعریف میشود، ولی اگر فرضاً آن باشد و دشنام به دیگر شخصیت‌های مهم مذهبی بود یا کتاب مقدس مسلمانان یا هر مساله دیگری بود که مقدمات اسلامی نامیده یا تعریف شده است، مشمول ماده ۵۱۳ خواهد شد. تفاوت این دو شقه هم به این صورت است که اگر سب‌النبی باشد، اعدام محسوب میشود و در صورتی که سب‌النبی نباشد بر طبق ماده ۵۱۳ توهین به مقدمات و ائمه و انبیا است و یک تا پنج سال حبس خواهد داشت. ماده ۲۶۳ هم که ذیل ۲۶۲ است می‌گوید: اگر سب‌النبی باشد، اما متهم نه مجرم، ادعا نماید که سب‌النبی از روی غفلت و سهو و مستی یا موارد دیگر بوده است، صرفاً ادعا نماید نه اینکه اثبات کند، مجازات سب‌النبی از وی ساقط میشود. البته این به معنای عدم مجازات نیست، بلکه احکام تعزیری مثل حبس و شلاق بر وی اعمال میشود و دیگر اعدام نخواهد شد.

**مفاهیم اسلامی مثل مقدمات در قوانین ایران با مبانی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر در تضاد است، حکومت چگونه می‌کوشد این خلاها را پر کند؟**

حکومت جمهوری اسلامی و حکومت ایران قبل از انقلاب هم به همین ترتیب، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین یعنی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را پذیرفته که منضم به اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند. تفاوت اعلامیه جهانی حقوق بشر با میثاقین به لحاظ ضمانت اجراست که



سیروان منصوری

جمهوری اسلامی نظامی است که بر مبنای دین اسلام ایجاد شده و قاعدتا برای بقاء نظام، نیاز به این است که مقدساتی را در دین اسلام مورد توجه و هدف قرار دهد تا بتواند با تکیه بر آن موارد (مقدسات)، با همراهی غلیان احساسی و مذهبی عده‌ای از طرفداران باورمند یا توجیه شده نسبت به آن مقدمات و با توسل به قوانین و احکام حافظ و تقویت‌کننده آن مقدمات، مخالفین سیاسی و منتقدان نظام جمهوری اسلامی را به عقب رانده و مورد مجازات قرار دهد و صد البته هزینه روانی و اجتماعی و... این سرکوب و عقب‌زنی مخالفان و مردم و یکدست‌سازی مردم از این انبان مذهبی و دینی پرداخت خواهد شد. بنابراین نظام جمهوری اسلامی بدون توجه به منشور حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی، سیاسی و میثاق حقوق اجتماعی اقتصادی، فرهنگی) که آنها را پذیرفته و متعهد به آن است، در قوانین داخلی، اعم از قانون اساسی و قوانین جزایی و... درصدد تعیین جرم و مجازات برای مخالفین، منتقدین، روشنفکران و مردم معترض ذیل عنوان‌های مرتبط با توهین به انگاره‌های مذهبی (اسلام شیعی)، از تبعیض مصرح و قانونی‌شده و مکتوب در اصول متعدد قانون اساسی نسبت به مذاهب و ادیان دیگر تا نفی بسیار گسترده حقوق اولیه بی‌دینان، بوده و هست. صد البته باید یادآور شد که حق آزادی بیان شامل حق نقد مذهب و مولفه‌ها و شخصیت‌های مذهبی و یا پاسخ به آنها بصورت‌های مختلف از جمله بیان (نقاشی، شعر، مقاله تحقیقی و...) برای همگان وجود دارد و حتی در سابقه ادبی و فرهنگی مردم ایران در قالب ادبی (بطور مثال در داستان موسی و شبان که موسی شخصیت مورد سرزنش است) و یا رواداری مذهبی در ضرب‌المثل‌هایی مانند (عیسی به دینش و موسی به دینش) در گذشته بوده است، ولی نظام فعلی حتی این همزیستی و مراعات تاریخی را هم نادیده گرفته و برای چنین مسائلی، با هدف حفظ قدرت و سرکوب هر صدای مخالفی، هیچ حقی قائل نیست. مجله حقوق ما در رابطه با توهین به مقدمات با بهنام چگینی، حقوقدان و کنشگر حقوق بشر گفتگویی انجام داده که متن کامل این گفتگو در زیر آمده است.



## نگاهی نو به مجموعه قوانین (با آخرین اصلاحات)

# قانون مجازات اسلامی

مصوب ۹۲/۲/۱

به همراه کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵  
قانون جرائم رایانه‌ای و قوانین خاص جزایی کاربردی

## آرای وحدت رویه کاربردی منطبق بر قانون جدید

جمهوری اسلامی است.

صلاحیت دادسرا نیست و مستقیماً پرونده به دادگاه یک کیفری می‌رود و همانجا هم رسیدگی می‌شود، یعنی مجازات‌های سالب حیات که اعدام شکلی از آن و قصاص هم شکلی دیگر از آن است، در دادگاه یک کیفری رسیدگی می‌شود و اگر مورد اتهام سب‌النبی باشد پرونده به این دادگاه می‌رود و مرحله تحقیقات دادسرا هم ندارد. ولی اگر توهین به مقدسات، یعنی نوع خفیف باشد، یعنی مطابق با ماده ۵۱۳ باشد، پرونده ابتدائاً به شعب بازپرسی دادسرا ارجاع می‌شود و آنجا بررسی می‌شود، اگر اتهام وارد باشد بعد از تکمیل شدن پرونده در دادسرا، به دادگاه جزایی ارجاع داده می‌شود.

در رسیدگی به این پرونده‌ها، بیش از آنکه به قوانین حقوقی و جزایی تکیه شود، به قوانین اسلامی و مسایل فقهی توجه می‌شود، در حالیکه طبق همین قوانین موجود، قاضی پرونده نباید در برخورد با مسائل مرتبط با اتهامات جزایی، نگاه موسع داشته باشد و مفاهیم جزایی را گسترده کند و دامنه شمول آنها را توسعه دهد، ولی متأسفانه در مواجهه با بحث سب‌النبی و توهین به مقدسات، در مواردی که مشاهده شده متأسفانه چنین نیست و قضات در این موارد و حتی مواردی که شک و شبه‌ای باشد یا ایرادی در اصل اتهام سب‌النبی و توهین به مقدسات باشد، مفهوم و مصداق‌های مقدسات را توسعه می‌دهند و آنها را در اتهام داخل می‌کنند که برخلاف همین قوانین

اعلامیه جهانی حقوق بشر، فقط یک اعلامیه است و پذیرفتن آن به عنوان قانون نیست، یعنی اگر کشوری آن را بپذیرد، صرفاً اعلامیه را بپذیرفته و در حکم قانون نیست. اما اگر کشوری میثاقین را بپذیرد، در حکم قوانین داخلی آن کشور است و میثاقین الزام‌آور است و در قوانین داخلی کشورها می‌توان به آنها به عنوان منابع قانونی استناد کرد. هم طبق اعلامیه و هم طبق میثاقین، بحث آزادی مذهب و عقیده در آنجا به صراحت عنوان شده است و این امر برای تک‌تک انسانها در نظر گرفته شده است که حق آزادی بیان، مذهب و عقیده، نقد عقیده و نظر دیگران را داشته باشند، ولی حکومت جمهوری اسلامی در مواجهه با این مساله، معمولاً استناد می‌کند که جامعه ما یک جامعه مذهبی و مسلمان است و طبق قوانین داخلی ما، قانون اساسی را سند بالادستی نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین میدانند و در قانون اساسی، ما ادیان رسمی و مذاهب به رسمیت شناخته شده را داریم. سایر ادیان و مذاهب به رسمیت شناخته نشده و از حقوق‌شان محروم شده‌اند و مذاهب و ادیانی هم که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده یا بخشا حقوق‌شان عنوان شده است، بین همان مذاهب و ادیان هم یک سلسله‌مراتب تبعیض در خود قانون اساسی یعنی اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴ بیان شده است و به این موضوع می‌پردازد که مسلمانها نسبت به غیرمسلمانها از جمله زرتشتی‌ها و مسیحیان و یهودیان از حقوق بیشتری برخوردارند، در عین حال مذاهب دیگر اسلامی غیرشیعه نسبت به شیعه از حقوق کمتری برخوردارند یا از حقوق و مناسب و موقعیتها محروم هستند. سایر ادیان مثل بهایی و غیره به جهت‌هایی، بسیار شدیدتر از حقوقشان محروم هستند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی این تبعیض کاملاً رسمیت یافته، قانونی شده و جمهوری اسلامی این قانون اساسی را بالاتر از اسناد حقوق بشری پذیرفته شده میدانند، در عین حال طبق اصل چهارم قانون اساسی، همه قوانین را به تطبیق با اسلام و فقه اسلامی ارجاع میدهد و از این جهت، قوانین بین‌المللی را محدود می‌کند و این تعارض را با ارجاع به فقهی که در قانون اساسی مرجع قرار گرفته، توجیه می‌کند و به همین جهت، حقوق مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین را نمی‌پذیرد.

**روند آیین دادرسی در پرونده‌های توهین به مقدسات به چه شکلی است؟ آیا قضات در این پرونده‌ها بیشتر به قوانین حقوقی و جزایی تکیه می‌کنند یا قوانین اسلامی؟**

روند آیین دادرسی به این شکل است که اگر توهین به مقدسات را سب‌النبی فرض کنیم، یعنی معنی پیش‌فرض قانونی در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی را در نظر بگیریم، رسیدگی به این اتهام در

توهین به مقدسات است که اگر کسی به مقدسات اسلامی توهین کرد، اما شامل بحث سب‌النبی و توهین به امامان، پیامبران و فاطمه زهرا نبود، بلکه به کتاب مقدس مسلمانان یعنی قرآن یا مکانهای خاص مذهبی یا به هرحال به انواع دیگری به مقدساتی توهین کرد که برای مسلمانها مورد توجه است، این مورد از مصادیق ماده ۵۱۳ است که می‌گوید: توهین به مقدسات که متفاوت از سب‌النبی است، یک تا پنج سال حبس دارد و در این ماده قانونگذار، تشخیص مصادیق توهین را به قاضی واگذار کرده است که خود این یک اشکال مضاعف علاوه بر اصل بحث مجازات چنین مواردی است و در عین حال میزان مجازات را هم در همان ماده ۵۱۳ تعیین کرده است.

**اخیراً، ۲ نفر در ایران به اتهام سب‌النبی اعدام شدند؛ این اتهام به چه معناست و آیا از روند پرونده آنان اطلاعاتی دارید؟**

از روند پرونده این دو نفری که به اتهام سب‌النبی اعدام شدند، اطلاعات شفاف و دقیقی از طریق دستگاه قضایی در اختیار مردم و رسانه‌ها، قرار نگرفته و اطلاع‌رسانی کافی صورت نگرفته و از این جهت برای جامعه سوالات بسیاری مطرح است. ولی آنچه که اتفاق افتاده به نظر میرسد که طبق همین قوانین مصوب جمهوری اسلامی و منابع فقهی که در کنار قانون است، اعدام این دو نفر با قوانین فعلی در تعارض است و مشکل دارد، چونکه در خود قانون بیان شده که در مساله سب‌النبی، به فرض اینکه دشنامی انجام شده باشد که حتی ما در این مورد هم اطلاع نداریم، چون روند این پرونده و مصداقها و مواردش نامشخص است، در صورتی که خود متهمین ادعا کنند که از روی سهو یا خشم یا مستی و یا موارد دیگری این دشنام را انجام داده‌اند، مجازات سلب حیات یا همان اعدام باید لغو شود. به علاوه اینکه در فقه قاعده‌ای به نام دراء داریم که این قاعده به این صورت است که تا جای ممکن، اجرای حدود از جمله اجرای حد سب‌النبی که اعدام است، در صورتی که شبهه‌ای در موردش مطرح است، متوقف شود. در مورد این دو اعدام شبهات بسیار است از جمله اینکه امکان توبه متهمین محتمل است، در عین حال اینکه مصداقها و موارد به چه صورت بوده و توهینی که مشخص نیست، با هر کدام از این شبهات باید اجرای حد که در اینجا سلب حیات و اعدام است، متوقف شود. این قاعده دراء جزو قواعد مصرح در فقه است که متأسفانه در این اعدامها مورد توجه قرار نگرفته است. به علاوه اینکه در این زمینه شبهات دیگری هم مطرح است که اساساً در نگاه مذهبی شیعیان، در دوره غیبت امام زمان، اجرای حد سب‌النبی آیا نیاز است؟ این یک شبهه بزرگ است و شبهات دیگری از این قبیل، این اعدامها نباید اجرا میشد، ولی متأسفانه صورت گرفت.

**اتهام‌هایی که در حوزه توهین به مقدسات قرار می‌گیرند کدام‌ها هستند؟ قانونگذار چه مجازات‌هایی را برای آنها در نظر گرفته است؟**

توهین به مقدسات در قوانین جزایی جمهوری اسلامی، به این صورت است که اگر توهین به پیامبران و انبیا عظام صورت گرفته باشد، سب‌النبی محسوب می‌شود و طبق ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی، دشنام به پیامبران سب‌النبی است و مجازات آن اعدام است. قانونگذار جمهوری اسلامی در ادامه مصادیق سب‌النبی را توسعه داده است که این البته برخلاف فقه و قاعده دراء است و اینکه توهین به امامان شیعیان و فاطمه زهرا که یک شخصیت مذهبی خاص در اسلام است، اینها را هم داخل در مصادیق سب‌النبی کرده و آنها را تشدید و گسترده کرده است و مجازات همه این موارد اعدام است. در ادامه ماده بعدی ۲۶۳ است که اگر این توهین‌ها و دشنام‌ها که در ماده ۲۶۲ به عنوان سب‌النبی مطرح شده است، توسط کسی عنوان شد، ولی ادعا کرد که از روی سهو و خشم و مستی و مسائلی از این قبیل بوده، مجازات اعدام و نه اتهام، از روی شخص برداشته میشود و مجازاتش به شلاق تخفیف پیدا خواهد کرد. مورد سوم بحث

### سیروان منصوری

حقوق ما در مورد توهین به مقدسات در قوانین جزایی ایران، مشروح کامل این مصاحبه در زیر آمده است.

### توهین به مقدسات، در قوانین حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی ایران، چگونه تعریف شده است؟

اگر بخواهیم مساله توهین به مقدسات را از ریشه در نظام فعلی حقوقی کشور ایران بررسی کنیم، باید توجه کرد که با اصل ۴ قانون اساسی این مساله پایه‌گذاری شده و مردم کشور ایران در سال ۱۳۶۸ به این رای داده‌اند و آن را تایید کرده‌اند. در سال ۱۳۵۸ هم همین اصل وجود داشته است و مردم متاسفانه به آن رای داده‌اند. اصل ۴ عنوان می‌کند که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری و غیره باید بر اساس موازین اسلامی باشد، این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. یعنی مردم بدون آنکه بدانند داخل فقه چه مسائل و مواردی می‌تواند باشد، جواب مثبت داده‌اند که تمامی امور بر اساس موازین اسلامی باشد و اینکه چه کسانی در نهایت باید داور باشد و این مسائل را تشخیص دهند، فقهای شورای نگهبان هستند. یعنی این مسئولیت تاریخی بر ذمه مردم ایران است که انجام داده‌اند و خودشان هم متاسفانه الان پاسخگوی همین مسئولیت هستند. این ریشه مساله است و اینکه این مسائل از اول داخل فقه قرار داده شده است و وجود داشته است. من حالا نمیخواهم سراغ قوانین قبل از جمهوری اسلامی بروم که به چه شکل با این مسائل برخورد می‌کرده است، ولی باید توجه کنیم که در حال حاضر ماده قانونی که بر اساس آن، توهین به مقدسات را مورد مجازات قرار می‌دهند، ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی است که متنش مشخص است که بنده یک روحانی از آن می‌کنم که بیان می‌کند: هرکس به مقدسات اسلام و یا هریک از انبیای عظام یا ائمه طاهرين یا حضرت صدیقه طاهره اهانت نماید، اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد، اعدام می‌شود، در غیر اینصورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. که در این خصوص، یک قانون استفساریه‌ای نیست به کلمه اهانت و توهین و هتک حرمت در مقررات جزایی وجود دارد که در این

بدیهی است که بر اساس اصول فرازین حقوق بشر، که کشور ایران به آنها پیوسته و نظام جمهوری اسلامی ایران هم بعد از استقرار از آنها خارج نشده است و پیوستن به سازمان ملل و باقی ماندن در آن سازمان، جزو لاینفک منشور سازمان ملل، میثاقین و اعلامیه جهانی حقوق بشر است که با عضویت یک کشور، این قواعد فرازین، که قواعد مدنیت و بشریت هست، را بپذیرد تا عضو سازمان ملل بشود، وگرنه اصلا در صورت عدم پذیرش این اصول، یک کشور مدنیت لازم را برای پیوستن به ملل دیگر ندارد. این نکته خیلی حائز اهمیت است، یعنی جمهوری اسلامی، با پذیرش این نکته باید به موجب قوانین، حتی قانون اساسی خودش که قانون تالی است، یعنی پایین‌تر از قوانین فرازین که بین‌المللی و جهانشمول است، باید این موارد را رعایت کند، چه برسد به قانون مجازات اسلامی. این تعهدات حقوقی است که این نظام سیاسی داده و اینکه رعایت نمی‌کند، جای پرسش دارد که چرا ضمانت اجرایی کافی در سازمان ملل نسبت به انجام این موارد و هتک آنها، چه توسط جمهوری اسلامی، عربستان، چین، یا هر کشور و نظام سیاسی دیگری، ندارد. می‌خواهیم بگوییم که تشکیک این قوانین به این معنا نیست که ما بخواهیم به آنها وثوق یا وجاهتی ببخشیم، بلکه صرفاً داریم این قوانین را بر اساس ساختار جمهوری اسلامی تحلیل می‌کنیم که داخل خود آن چه چیزی است، وگرنه بدیهی است که برخلاف حتی همان سنتی است که جمهوری اسلامی داخل کتابهای درسی از پیامبر نقل می‌کند که: یک فردی مدام بر سر پیامبر خاک‌روبه می‌ریخت و یک روز که این کار را انجام نمی‌دهد و پیامبر علت را جویا می‌شود، می‌گویند که مریض شده و پیامبر به عیادت آن شخص می‌رود و در طائف هم که به پیامبر سنگ می‌زدند، اشک می‌ریخت و دعا می‌کرد که این افراد هدایت شوند. و ما در سنت و رویه پیامبر نداریم که در زمان حکومت خودش، یا امام اول شیعیان یا خود خلفای راشدین که قدرت را در دست داشتند، فردی را به اسم توهین به مقدسات اعدام کرده باشند.

آنچه در بالا آمده است، بخشی از سخنان پیام درفشان، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری است در مصاحبه با مجله

## اگر فردی پس از توهین به مقدسات بگوید که غفلت کردم، نباید مجازات بشود



ماده هم از مجلس سوال شده است که مجلس ماده واحده‌ای به اسم استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین یا هتک حرمت، صادر کرده است و جالب اینکه در زمان ریاست مهدی کربوی بر مجلس شورای اسلامی، این صادر شده است.

### کدام مواد قانونی در قوانین حقوقی و قانون مجازات اسلامی، به این مساله اشاره می‌کند؟

در این ماده واحده (استفساریه مجلس شورای اسلامی نسبت به ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی) از مجلس پرسش شده است که آیا منظور از عبارت اهانت، توهین و هتک حرمت، مندرج در مقررات جزایی، قانون مجازات و قانون مطبوعات به کار بردن الفاظی است که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ توجه بفرمایید که مجلس چه نظری داده است، یعنی به جای اینکه بگوید بله صریح است، با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی، اصل تفسیر به نفع متهم و اصول دیگه‌ای که وجود دارد، اما گفته از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین عبارت است از: به کاربردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد یا ارتکاب اعمال یا انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص، موجب تخفیف یا تحقیر آنان شود. این خیلی وحشتناک است، یعنی فردی از اول نسبت به ماجرا به این شکل نگاه می‌کند و این قانون استفساریه‌ای که مجلس در زمان آقای کربوی صادر کرده، دستش را باز خواهد گذاشت. یعنی فردی اگر با یک فعلی، ائمه اطهار را حتی خفیف کرد، می‌توان این را به عنوان سب‌النبی در نظر گرفت و با آن به شکلی که در عمل هم شده، برخورد خواهند کرد. اینها مواردی است که در خصوص اینکه مقدسات تا چه اندازه موسع تفسیر می‌شوند و می‌توان با آن برخورد کرد، وجود دارد.

### حد و حدود مقدسات را قانونگذار چگونه تعریف کرده است؟

مقدسات اسلام، پرچالش‌ترین ترکیبی است که در این ماده قانونی به کار برده شده است، به سبب اینکه خود مقدسات اسلام آنچنان موسع است که شما اگر به آرای فقها، تعاریف

فقهی، نظریه مراجع تقلید مراجعه کنید و همین ویکی‌فقه که خودشان درست کرده‌اند، بیان می‌کنند که مقدسات اسلام کلیه مواردی است که برای همه یا اکثر مسلمانان، مقدس باشد که شامل ذات باریتعالی، اسامی باریتعالی، صفات باریتعالی، پیامبران، ائمه، زمانهای مقدس و مکانهای مقدس میشود و اول ماده هم هرکس را ذکر می‌کند، یعنی حتی اعتقادات و مقدسات اسلامی را محدود به مسلمانان نکرده است، یعنی مثلا اگر مسلمانی به اینها توهین کند، چون خودش مسلمان است، مسئولیت شامل حالش می‌شود، یعنی اگر روز عاشورا یک توریستی رد می‌شود و صدای موسیقی ماشینش را زیاد کرده باشد، چه بسا که مورد خیلی آسیب هم قرار بگیرد. فرض کنیم این توریست به یک دسته هیات مذهبی برخورد کند و تصور کند آن مراسم یک کارناوال است و او هم دارد موسیقی گوش میدهد، تصور کنید چه اتفاقی ممکن است برایش بیفتد. جالب اینجاست که عین این داستان هم در زمان مشروطه در عصر قاجار اتفاق افتاده بود و یک توریستی توسط مردم تکه‌تکه شده بود برای اینکه این فرد یکی از افرادی بود که در سفارت آمریکا کار می‌کرد و بدون اطلاع از زمان و مکانی که افرادی عزاداری می‌کردند یا ماه رمضان بوده است، این فرد آب خورده یا کار مشابهی انجام داده بود، دو نفر آخوند داد و بیداد کرده بودند و مردم هم سر این فرد ریخته بودند و او را تکه‌تکه کرده بودند. می‌خواهیم بگوییم که این قوانین از بستر جامعه بلند میشود، ما نمی‌توانیم در اینگونه موارد مسئولیت مردم را نادیده بگیریم. در مراسم عاشورا و تاسوعای امسال یک سری خوردو تفریحی رفته بودند و جایی پارک کرده بودند و کسی هم داخل خودروها نبود، مردم رفته بودند و شیشه خودروها را خرد کرده بودند که چرا روز تاسوعا و عاشورا شما برای تفریح آمده‌اید؟ اگر در نقاط مختلف کشور این ظرفیت باشد که با مردم اینگونه برخوردها صورت گیرد، پس آن مساله خواستگاه اجتماعی دارد و نمی‌توان تقصیر را فقط به گردن حکومت انداخت، باید مساله را به سطح اجتماع و درکش از مسائل هم منتقل کرد.

طبق قانون، چه مجازات یا مجازات‌هایی برای مرتکبین این

### عمل در نظر گرفته شده است؟ حدود و ثغور آن کدام است؟

مجازات قانونی این مساله که در قانون مجازات اسلامی درج شده، اگر حکمش سب‌النبی باشد، یعنی توهین به مقدسات اسلام باشد که شامل هم زمانهای مقدس و هم مکانهای مقدس میشود، یعنی توهین به شهر مشهد هم توهین به مقدسات است، مثلا فیلم عنکبوت مقدس را توهین به امام رضا تلقی کرده بودند، و این مکانهای مقدس تقریبا شامل همه جا میشود، چون الان در همه جا یک امامزاده‌ای وجود دارد، توهین به انبیا هم شامل چند هزار پیامبر توهین به مقدسات تلقی می‌شود، یعنی اگر فرد به جرجیس هم یک اهانتی کند، شامل این ماده قانونی می‌شود. البته از لحاظ فقهی مساله شدیدتر هم هست، این اجماع فقهاست و در کتب فقهی بیان شده که هرکسی اگر اهانت به پیامبر را از زبان فرد دیگری بشنود، کشتن او واجب است و در ادامه هم عنوان میکنند که نیازی به اذن امام و رهبر شرعی هم نیست. یعنی از لحاظ فقهی کافسیت که شما ۲ نفر دیگر را هم مهیا کنید و بگویید که فلان طرف به ائمه فحش داده است و ما او را کشتیم و این دو نفر هم شاهد هستند. مساله آتش به اختیاری از فقه نشأت می‌گیرد و متاسفانه پشتوانه فقهی دارد و نکته دیگری در مورد مجازات که بیان شده این است که اگر مساله توهین به مقدسات شامل سب‌النبی باشد اعدام است، در غیر اینصورت به حبس از یک تا پنج سالم حکوم خواهد شد که این بخش از مساله واقعا معلوم نیست، یعنی طرف اگر به مقدسات اسلام و ائمه و و چند هزار پیامبر هم اهانت نکرده باشد، اما بنا به استفساریه موجب خفیف شدن جایگاهشان هم بشود، اهانت محسوب می‌شود. یعنی اگر نتوانند هیچ جوره فرد را بکشند، او را به زندان خواهند فرستاد. البته میدانیم که تصریح شده که در این موارد نیاز به عنصر معنوی یعنی قصد و اراده دارد، بدیهی است که از روی اکراه، غفلت، سهوا، در مستی و بدون توجه اگر فردی این کلمات را بیان کند، سب‌النبی محسوب نمیشود.

اخیرا دو نفر در اراک به نامهای یوسف مهرداد و صدرالله

فاضلی زارع به اتهام سب‌النبی اعدام شدند. در رابطه با آن

### پرونده و اتهام انتسابی چه اطلاعاتی دارید؟

در رابطه با ۲ مورد اعدام اخیر در اراک حداقل در مورد آقای یوسف مهرداد بنده با توجه به صحبت‌های وکیلش مطلع هستم که ایشان اظهار کرده که هم غفلت کرده، هم سهوا داشته و هم اینکه علاوه بر آنها توبه هم کرده بود، نه توبه را پذیرفته‌اند و نه غفلت و سهوا را، و گفته‌اند چون پزشکی قانونی گفته است که شما سالم هستی پس شما غفلت نکرده‌اید، در حالیکه غفلت یک عنصر درونی است. فرد می‌آید و می‌گوید که من در لحظه توهین حواسم جمع نبوده و غافل بودم و این ربطی به سلامت پزشکی قانونی ندارد و باعث این اعدامها هم خواهد شد و به قول آقای علی مطهری هم ثمرات مثبتی خواهد داشت!!!

ما نمیدانیم این ثمرات مثبت کجاست که جان انسانی گرفته شود صرفا به خاطر اینکه حرفی زده باشد. این دو جوان فلاسفه‌ای نبودند که در میان‌سال و کهنسالی به آنتیسم رسیده باشند و از باب فلسفه در این خصوص بخواهند صحبت کنند. درد اینجاست که این افراد، افراد محروم و کارگری بودند که مورد ظلم قرار گرفته بودند و از ظلم و دینی که به آنها اجبار شده را مورد انتقاد قرار می‌دهند و حکومت به جای پاسخگویی انتقادات، جان آنها را می‌گیرد. انگیزه حقیقی این افراد چه چیزی بود؟ آیا شغل مناسب داشتند؟ زندگی مناسب اجتماعی داشتند؟ آیا همه اینها مهیا بود؟ آیا این افراد در گوشه کتابخانه‌هایشان نشسته بودند و انتقاد وارد می‌کردند یا نه همه این بلاها را حکومت سر اینها آورده و بعد از انتقاد آنها را مجازات می‌کند. این فرد هرچه گفته غفلت کرده و توبه کرده که باعث سقوط مجازات شود، ولی قضات هیچکدام از اینها را در نظر نگرفته‌اند. این مساله چیزی جز عطش به خونریزی و سادیسم و آدمکشی نیست، به خاطر اینکه این مساله با مسلمات فقه هم جور در نمی‌آید. اگرچه در قانون مقدسات اسلام را موسع گذاشته و نظر اکثریت مسلمانان را لحاظ کرده، اما از یک طرف دیگر می‌گوید: اگر فرد بگوید که غفلت کردم و سهوا داشتم، نباید مجازات شود. این امر حتی منطبق بر فقه هم اسلامی هم نیست و این مساله چیزی جز قتل نیست، چون با موازین قانونی کشور هم اصلا منطبق نیست.



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)